

هنجارهای واژگانی در تعاملات کلامی دختران نوجوان

شادی شاه ناصری^۱

چکیده

غالب پژوهش‌های انجام شده در حوزه زبان و جنسیت بیانگر آن است که گویندگان یک زبان بر حسب جنسیت از گونه‌های زبان متفاوتی استفاده می‌کنند؛ به عبارت بهتر گفتار زنان و مردان دارای تفاوت‌هایی است که این تفاوت‌ها عمدتاً در حوزه واژگانی برجسته است. زنان در مقایسه با مردان از واژگان عامیانه، عبارات توهین‌آمیز و صورت‌های غیرمعیار، کمتر استفاده می‌کنند. متغیر سن نیز در راستای تخفیف این تقابل‌ها چندان قوی عمل نمی‌کند و بررسی گفتار دختران و پسران نیز تفاوت‌های آشکاری را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، هر گاه در جامعه‌ای تعاملات اجتماعی - کلامی بین گویشوران زن و مرد افزایش یابد بروز برخی تغییر و تعدیل‌ها در هنجارهای اجتماعی - زبانی این دو گروه جنسی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. از این رو پژوهش زیر در حوزه جامعه‌شناسی زبان به منظور دستیابی به الگوی واژگانی حاکم بر مکالمات درون گروهی دختران نوجوان شکل گرفت. داده‌ها بر اساس پرسشنامه جمع‌آوری و عوامل زبانی به روش تجزیه واریانس اندازه‌گیری شدند. با بررسی داده‌ها می‌توان نتیجه گرفت دختران آزمودنی در تعاملات کلامی درون گروهی از واژگان گونه زبانی محاوره‌ای مردانه با بسامد بالایی استفاده می‌کنند. از این رو چارچوب نظری پژوهش مبنی بر شبیه‌سازی واژگانی دختران با الگوی گفتار محاوره‌ای گروه مردان و انطباق اعتبار پنهان کلامی بر اعتبار آشکار در این گروه سنی تایید می‌شود.

کلیدواژه

شبیه‌سازی، گونه زبانی محاوره‌ای مردانه، صورت جدید، صورت قدیم.

۱- مقدمه

رفتار زبانی یکی از جنبه‌های رفتار اجتماعی انسان و بنابراین تابع ملاک‌ها و اصول کلی آن است. یکی از تفاوت‌های بارز اجتماعی، تفاوت جنسیتی است که موجب تفاوت در توزیع نقش و پایگاه اجتماعی افراد می‌شود و از این رو می‌تواند یک عامل اجتماعی در تنوعات زبانی به شمار آید. به طور کلی، زنان نسبت به رفتار زبانی خود بیش از مردان حساسیت دارند و از صورت‌های زبانی جدید و یا غیر معیار که به نوعی با گفتار سخنگویان طبقه اجتماعی پایین عجین است کمتر استفاده می‌کنند در حالیکه این گفتار نزد بسیاری از مردان دارای وجهت بوده مردی و مردانگی را تداعی می‌کند. اما اکنون به نظر می‌رسد استفاده از صورت‌های واژگانی معیار در گفتار دختران نوجوان در حال رنگ باختن است. در این پژوهش، تاثیر واژگان و اصطلاحات گونه زبانی محاوره‌ای مردانه در زبانگونه دختران نوجوان بررسی می‌شود و بسامد کاربرد این قبیل واژگان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. از این رو ابتدا اشاره کوتاهی به برخی مطالعات پیشین در این حوزه می‌شود پس از ارائه تعریفی از زبانگونه جنسیتی به بررسی رابطه گروه و عضویت در روابط گروهی پرداخته اعتبار درون گروهی و چارچوب نظری پژوهش را شرح دهیم آنگاه مفاهیم بنیادی طرح بازبینی، روش و ابزار گردآوری داده‌ها، توصیف و داده‌ها ارزیابی تحلیلی می‌شوند سپس در بخش پایانی نتایج پژوهش ارائه خواهد شد.

۲- پیشینه مطالعات

گودوین^۱ (۱۹۸۰) در تحقیقی در باره نوجوانان آفریقایی - آمریکایی مدارس آمریکا نتیجه گرفت دختران معمولاً تهدید یا مخالفتشان را آشکارا ابراز نمی‌کنند حال آنکه بیان مخالفت صریح در پسران، امری عادی محسوب می‌شود.

ایسیکوویتز^۱ (۱۹۸۷) با بررسی گفتار نوجوانان سیدنی اظهار داشت که بسیاری از مشخصه‌های غیر معیار گفتار عامیانه برای نوجوانان دختر و پسر اعتبار دارد اما هر چه دختران بزرگ‌تر می‌شوند به سمت تعدیل گفتار و همسویی با هنجارهای زبانی معیار پیش می‌روند.

اکرت^۲ (۱۹۹۰) بر مبنای ویژگی «تصدیق» الگوی گفتار دختران نوجوان را مشابه گفتار زنان ارزیابی کرد. به اعتقاد او بعید است در جمعی دخترانه، بحثی به نتیجه‌گیری نهایی نزدیک شود مگر آن که همگان به وحدت نظر رسیده باشند. از این رو، او دختران و پسران را همچون زنان و مردان متعلق به گروه‌هایی متفاوت می‌داند و می‌افزاید دختران نوجوان، آگاهانه گونه زبانی معیار گروهی را انتخاب می‌کنند که قصد ورود یا نزدیکی به آن را داشته باشند پس گونه معتبر صرفاً نمی‌تواند یک گونه واحد با کاربرد همه‌گیر محسوب شود بلکه شاخص گروه و کسب هویت در اتخاذ گونه منتخب حائز اهمیت است. گودوین (۱۹۸۷)، نقل در کوتز و کامرون^۳ (۱۹۸۹) در پژوهشی در خصوص نوجوانان اظهار داشت دختران و پسران نوجوان از استراتژی‌های مشابه زبانی استفاده می‌کنند که بر مبنای مخالفت و تقابل پایه‌ریزی شده است. وی در تحقیق دیگری (۱۹۹۰)، نقل در توماس و ویرنیگ^۴ (۲۰۰۱) نیز عنوان داشت که دختران در روابط کلامی درون گروهی همانند پسران از جملات امری مستقیم با لحنی خشک و خشن استفاده می‌کنند از این رو دیگر نمی‌توان گفتار دختران نوجوان و جوان را گفتاری غیرمستقیم و تلطیف شده نامید بلکه دختران به سمت کاربرد زبان صریح و جملات مستقیم گرایش پیدا کرده‌اند.

1. E. Eisikovits

2. P. Eckert

3. I. Coates & D. Cameron

به اعتقاد او صرف پرداختن به تقابل‌های گفتاری دو جنس کارساز نیست بلکه باید به شباهت‌های گفتاری نیز توجه کرد و به بررسی ویژگی‌های مشابه یا شبیه شده پرداخت. کوتز و کامرون (۱۹۸۹) نیز با بررسی زبان ژاپنی اظهار داشتند این زبان بر خلاف اکثر زبان‌ها، تفاوت‌های جنسیتی را در تمام ضمائر شخصی‌اش نشان می‌دهد. اما میازاکی^۱ (۱۹۹۸، نقل در بنور، رز و شارما^۲، ۲۰۰۱) پس از بررسی گفتار روزمره دانش‌آموزان دختر ژاپنی عنوان کرد دختران ژاپنی از ضمائر مردانه و واژگان رایج بین مردان در گفتارشان بسیار استفاده می‌کنند و این کاربرد در بین خودشان از هویت خاصی برخوردار شده است. از سوی دیگر تترالت^۳ (۱۹۹۸، نقل در بنور، رز و شارما، ۲۰۰۱) در پژوهشی به بررسی گفتار نوجوانان عرب زبان ساکن در فرانسه پرداخت. کاربرد گفتار مردانه به عنوان یک ویژگی بارز در مکالمات این دختران به چشم می‌خورد. گفتاری که تنها به واژگان و اصطلاحات خاص رایج بین مردان منتهی نمی‌شد و رفتار اجتماعی این دختران را نیز تحت‌الشعاع قرار داده بود. به اعتقاد او کاربرد دشنام‌ها و دشواژه‌ها، زبان عامیانه، گفتار رقابتی و بددهنی، نوعی واکنش به حفاظت از جایگاه بی‌ثبات اجتماعی این دختران در جامعه محسوب می‌شود.

پورجهان (۱۳۷۸-۱۳۷۹) با بررسی درصد کاربرد و اصطلاحات عامیانه بین زنان و مردان ضمن اشاره ضمنی به این مطلب که زنان در تمام گروه‌های تحصیلی و سنی بالاتر، اصطلاح‌های عامیانه مربوط به گروه مردان را بیشتر به دلیل «اصطلاح جنس مخالف بودن و مؤدبانه نبودن» به کار نبرده‌اند اذعان می‌دارد برخی اصطلاحات عامیانه مثل «دمت گرم» در هر دو گروه از اقبال چشمگیری برخوردار است و تفاوت معنی‌داری در کاربردشان بین گروه زنان و مردان دیده نمی‌شود. فارسیان (۱۳۷۸) نیز با بررسی بسامد

^۱ Miyazaki

^۲ S. Benor, M. Rose & D. Sharma

^۳ - - -

انتخاب برخی جملات مردانه نتیجه گرفت زنان در طبقات بالای اجتماعی گرایش به سمت استفاده از واژگان و اصطلاحات خاص مردان پیدا کرده‌اند.

۳- زبانگونه جنسیتی

نخستین بار ولستون کرافت^۱ (۱۹۷۲، نقل در جان‌نژاد، ۱۳۸۰) جنسیت را به عنوان یک ساختار نمادین اجتماعی معرفی کرد. به اعتقاد او اکثر تفاوت‌های دو جنس به طور اجتماعی به وجود می‌آید.

در واقع نقش‌ها، هنجارها و انتظارات جامعه از فرداست که جنسیت را به عنوان ساختار اجتماعی جنس می‌سازد؛ به عبارتی از هر جنس انتظار می‌رود در چارچوب هویت جنسیتی خود عمل کند و تا زمانی که وی قواعد بازی را رعایت کند اتفاقی نمی‌افتد اما اگر پا را از مرزهای هویت جنسیتی خود فراتر بگذارد با ریشخند و طرد اجتماعی دیگر افراد جامعه مواجه خواهد شد. از آنجا که زبان به عنوان یک رفتار اجتماعی در ارتباط نزدیک با دیگر رفتارهای اجتماعی است، گونه‌های جنسی^۲ زبان شکل می‌گیرند. سبک‌های متمایز جنسیتی یا به عبارت دیگر زبانگونه جنسیتی^۳ نوعی گونه زبانی متأثر از متغیر جنسیت است. علت پیدایش زبانگونه جنسیتی آن است که زنان و مردان، نقش‌های متفاوتی را در جامعه ایفا می‌کنند و زبان صرفاً این واقعیت را در گونه‌های متمایز منعکس می‌کند؛ به عبارتی زبانگونه جنسیتی بر خلاف زبانگونه جغرافیایی، طبقاتی و ... که ناشی از فاصله اجتماعیست به دلیل تفاوت اجتماعی شکل می‌گیرد. ظاهراً هر چه تفاوت بین نقش‌های اجتماعی زنان و مردان در جامعه زیادتر و انعطاف ناپذیرتر باشد تفاوت‌های زبان هم بیشتر و متمایزتر جلوه‌گر می‌شود. بنابراین زبانگونه‌های جنسیتی نتیجه نگرش‌های اجتماعی

^۱. M. Wollstone Craft

مختلف نسبت به رفتار زنان و مردان و طرز تلقی‌هایی است که در واقع خود زنان و مردان نسبت به زبان به عنوان یک نهاد اجتماعی دارند. از این رو زنان و مردان استراتژی‌های گفتاری متفاوتی اتخاذ می‌کنند و احساس می‌کنند زبانگونه خاصی متناسب جنس آنها است و این تناسب را فشارهای اجتماعی مختلف، تقویت می‌کند.

۴- گروه و عضویت

از دید جامعه‌شناسی، گروه مجموعه‌ای از دو یا چند نفر است که با هم در تعاملند و در چارچوب هنجارهای جمعی در پی کسب هدف‌های جمعی‌اند و احساس هویت مشترک دارند.

از آنجا که الگوهای نسبتاً متفاوتی از تعاملات کلامی میان گروه‌های دختر و پسر مشاهده شده

است (رومین^۱، ۱۹۸۴) بررسی این گروه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

نوجوانان یک خرده فرهنگ را شکل می‌دهند از این رو سعی می‌کنند با توسل به هر وسیله ممکن خود را از جامعه بزرگ‌ترها جدا کنند. یکی از مؤثرترین ابزار، استفاده از الگوی «زبانی» است. شواهد بسیاری حاکی از آن است که مقدار زیادی از فرایند زبان‌آموزی و اجتماعی شدن در گروه‌های همسال شکل می‌گیرد. تحقیقات گرادول و سوان^۲ (۱۹۸۹) در خصوص لایه‌بندی اجتماعی بیانگر ارتباط بین عضویت گویشوران در گروه‌های اجتماعی و کاربرد مشخصه‌های زبانی خاص می‌باشد.

توماس و ویرینگ (۲۰۰۱) رفتار زبانی خاص را نشان دهنده هویت فرد در ارتباط با گروه دانسته و ضامن پذیرش عضویت فرد را در گروه از سوی دیگر اعضا، توانایی وی در

^۱. S. Romaine

کاربرد مناسب اصطلاحات و واژگان خاص آن گروه می‌دانند؛ به عبارتی زبان مکمل دیگر مشخصه‌های اجتماعی و عضویت گروهی محسوب می‌شود.

۵- روابط گروهی

ارتباطات گروهی از دو نوع درون گروهی و بین گروهی^۱ تشکیل می‌شود. در نوع اول، ارتباط بین اعضا گروه است که غالباً همسال و همجنس هستند، از این رو، این گروه را گروه همسالان می‌نامند. تعلق به هر یک از گروه‌های سنی در فرد گرایش‌هایی ایجاد می‌کند که او را از گروه‌های دیگر جدا می‌کند. همین تمایلات هستند که باعث می‌شود یک نوجوان علی‌رغم الگوپردازی از زبان والدین در حین یادگیری مهارت‌های زبانی به کاربرد الگوهای دیگر گرایش پیدا کند که از پدر، مادر و اطرافیان بزرگسال خود نگرفته بلکه الگوی زبانی گروه همسالان، اوست. به کارگیری این ویژگی‌های خاص به او اجازه می‌دهد که در درون گروه همسالان خود را بیابد و با جدا کردن زبان خود از بزرگسالان، هویتی جداگانه، جدید و مستقل پیدا کند. رومین (۱۹۸۴ : ۱۸۲) از نهادهای آموزشی به عنوان عاملی مؤثر نام می‌برد. به اعتقاد او بچه‌ها در محیط مدرسه وارد جامعه وسیع‌تری از خانه می‌شوند که این عامل و همینطور تاثیر گروه همسالان، فعالیت‌های اجتماعی و ارتباطی جدید و وسیع‌تری را می‌طلبد از این رو به تدریج سبک گفتار نوجوانان و جوانان شکل می‌گیرد. از جمله عوامل مهم و اجباری در الحاق به گروه در وهله نخست جنسیت و دیگری سن مطرح می‌شود. عوامل دیگر تا حد زیادی اختیاری محسوب می‌شوند.

فیشمن^۱ (۱۹۸۳) از دو فشاری نام می‌برد که بر هر گروه وارد می‌شود: ۱- فشار در جهت حفظ انسجام بین اعضای گروه که هدف آن ایجاد مشابهت است. ۲- فشار در جهت حفظ هویت مستقل و حفظ تقابل با گروه‌های دیگر که هدف آن ایجاد تمایز است.

^۱. intra group & inter group

صرفنظر از این دو نیروی خارجی، خود گروه بر اعضایش فشاری وارد می‌کند که این فشار یا از بالا وارد شده می‌تواند به تصحیح افراطی تعبیر شود مثل تقلید گروه از ویژگی‌های طبقه اجتماعی بالا که به نظر می‌آید گروه دختران و زنان تحت این فشار باشند و یا فشار از پایین که عبارتست از تقلید گروه از طبقه اجتماعی پایین که به نظر می‌آید گروه پسران و مردان تحت این فشار قرار دارند.

وارداف^۲ (۱۹۹۲) نیز به تفاوت کسب هویت در زنان و مردان اشاره می‌کند و تمایل زنان را به سمت اعتبار آشکار ارزیابی می‌کند. اعتبار آشکار در زبان معیار نهفته است و زبان معیار به صورت‌های زبانی گویند که دارای بالاترین جایگاه اجتماعی است حال آنکه مردان ترجیح می‌دهند از صورت‌های کم وجهه‌تر که مشخصاً دارای اعتبار پنهان است به عنوان نشانه همبستگی گروهی و هویت شخصی بخصوص در تعاملات درون گروهی بیشتر استفاده کنند.

۶- چارچوب نظری پژوهش

هنری تجفل^۳ (۱۹۷۸، ۱۹۸۴) نظریه «روابط بین گروهی و تغییرات اجتماعی» را مطرح کرد.

این نظریه بر مبنای ساختار گروهی پایه‌ریزی شد که اعضایش تصویر ذهنی حقیرانه‌ای از خود داشتند که البته چنین برداشتی متضمن جایگاه اجتماعی پایین و کارکرد ضعیف گروه مورد نظر به حساب می‌آمد. از دید تجفل، زنان و دختران در این مجموعه قرار دارند. تجفل معتقد است اعضای گروه تابع (گروه اقلیت^۴) یا جایگاه نازل و فرودست خود را

1. P. Fishman

2. R. Wardhaugh

3. H. Tajfel

4. minority group

پذیرفته با آن کنار می‌آیند یا با آن به مخالفت و مبارزه برمی‌خیزند؛ اگر جایگاه خود را بپذیرند به عنوان یک فرد جدای از

گروه سعی می‌کنند توانایی‌ها و شایستگی‌های بالقوه خود را به فعلیت رسانده از این راه به خودباوری و ارائه تصویری مثبت از شخص خود دست یابند. دو راهکار در این خصوص وجود دارد: نخست، آن که شخص خود را در تقابل با دیگر اعضای گروه بسنجد یعنی به یک ارزیابی صرفاً درون گروهی بپردازد یا این که به طور انفرادی وارد و جذب گروه اکثریت^۱ (گروه فرادست) شود. از طرف دیگر اگر گروه تابع از پذیرش جایگاه نازل خود در جامعه امتناع ورزند سبب بروز تغییراتی در جامعه خواهند شد.

«شبهه سازی^۲» ردیکردی است که زنان آشکارا بدان متوسل می‌شوند. از دید رومین (۱۹۸۴: ۱۹۳) شبهه سازی زمانی شکل می‌گیرد که اولاً انگیزه افراد، قوی باشد ثانیاً دستیابی به الگوی مطلوب یا جدید امکان‌پذیر باشد. واضح است که الگوی زبانی در چنین موقعیت‌هایی، نماینده هویت گروه است. زنان برای شبهه‌سازی زبانی با گروه مردان اغلب از این شیوه‌ها استفاده می‌کنند:

الف) صدایشان را تعمداً کلفت و بم می‌کنند.

ب) از واژگان و دشواژه‌های مردانه و ناسزا در کلام استفاده می‌کنند.

ج) قطعیت و صراحت در کلام را به نمایش می‌گذارند.

د) در باره موضوعات مردانه مانند تجارت، سیاست و ورزش صحبت می‌کنند.

ه) با گویش یا لهجه غیرمعیار صحبت می‌کنند.

زنان با اتخاذ شیوه «شبهه سازی به شرایط ناعادلانه در جامعه اعتراض می‌کنند یعنی در واقع سعی در تغییر قانون‌ها و ساختارهای اجتماعی دارند. اگرچه چنین حرکت‌هایی احتمالاً شرط لازم تغییرات اجتماعی محسوب می‌شود اما شبهه‌سازی، رویکرد مطلوبی

برای گروهی که درصدد کسب هویت اجتماعی مثبت مستقلی برای خود هستند به شمار نمی‌آید زیرا به اعتقاد تجفل با پذیرش هنجارهای گروه غالب حتی هنجارهای زبانی، گروه فرودست به تدریج دچار استحاله هویتی می‌شود.



نمودار شماره (۱): نظریه تجفل در خصوص روابط بین گروهی و تغییرات اجتماعی (برگرفته از کوتز، ۱۹۸۶: ۹)

یکی از مواردی که تجفل در خصوص شبیه‌سازی مطرح می‌کند مساله استفاده زنان و دختران از واژگان و اصطلاحات مردانه است. در این پژوهش سعی شده تا میزان صحت و سقم مساله فوق مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

۷- مفاهیم بنیادی طرح

چایکا^۲ (۱۹۸۲) انعکاس تمام دگرگونیهای اجتماعی، عقاید و به طور کلی تمام واقعیات اجتماعی را در زبان می‌داند و بر این اعتقاد است که ازراه مطالعه واژگان زبان، می‌توان به تمامی واقعیت‌های حاکم بر یک اجتماع دست یافت. از این رو «واژه» در این پژوهش به عنوان محور کلیدی طرح، مطرح است و در حکم یک اصطلاح پوششی عمل می‌کند. اصطلاح پوششی از این جهت که هم مفهوم واژه و هم اصطلاحات گونه زبانی محاوره‌ای

^۱. tokenism

مردانه را شامل می‌شود. این واژگان در مقایسه با صورت خنثی قرار می‌گیرند. صورت خنثی^۱ عبارتست از واژه‌ای که تعصب خاصی از حیث کاربرد زنانه یا مردانه بودن در خصوص آن نیست؛ به عبارتی نسبت به جنسیت کاربران زبانی خنثی و بی‌نشان است مثل واژه «خود شیرین». صورت جدید^۲ به جدیدترین واژه‌های اشاره می‌کند که برخی مردان و اغلب جوانان و نوجوانان پسر در محاورات درون گروهی استفاده می‌کنند مثل واژه «جل» / jol / به معنی آدم خود شیرین. صورت قدیمی^۳ نیز واژه‌ای از گونه محاوره‌ای مردانه است که به سبب پیدایش صورت جدید، بسامد کاربردی کمتری پیدا کرده است مثل واژه «سیریش» / siris / معادل آدم خودشیرین که با پیدایش صورت جدید «جل» بسامد کاربرد کمتری پیدا کرده است.

مثال زیر، پیوستار صورت‌های یک واژه را نشان می‌دهد:

صورت خنثی ← صورت قدیمی ← صورت جدید
خودشیرین ← سیریش ← جل

۸- روشی گردآوری داده‌ها

هدف از انجام چنین پژوهشی پاسخگویی به این سؤالات بود که آیا دختران نوجوان در محاورات درون گروهی از واژگان گونه زبانی محاوره‌ای مردانه استفاده می‌کنند؟ آیا طبقه اجتماعی با کاربرد این قبیل واژگان همبستگی نشان می‌دهد؟ و آیا کاربرد صورت‌های واژگانی جدید با طبقه اجتماعی ارتباط معنی‌دار دارد؟ بدین منظور ۶۰ دختر نوجوان در سه گروه سنی و سه پایه تحصیلی اول تا سوم در مقطع دبیرستان در دو طبقه اجتماعی بالا و پایین که جمعاً ۶ گروه متفاوت اجتماعی را تشکیل می‌دادند برای تهیه

^۱. Neutral form

پیکره زبانی انتخاب شدند. داده‌ها از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شدند. در پرسشنامه ۲۰ پرسش پیرامون واژگان و اصطلاحات پرسامد گونه زبانی محاوره‌ای مردانه به همراه چند اصطلاح جدید تهرانی به منظور سنجش میزان کاربرد آن از سوی آزمودنی‌های اصفهانی گنجانده شد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، مرحله ارزیابی داده‌ها از طریق سنجش بسامد وقوع این صورت‌ها در هر پایه تحصیلی و در دو طبقه اجتماعی به تفکیک انجام شد. قبل از تحلیل داده‌ها، مرحله استخراج واژگانی گونه زبانی محاوره‌ای مردانه جدول‌بندی شد. این استخراج اولیه در قالب یک پرسشنامه باز از دبیرستان‌های پسرانه صورت گرفت.

۹- تحلیل داده‌ها

به منظور سنجش کاربرد یا عدم کاربرد گونه زبانی محاوره‌ای مردانه از سوی دختران در ابتدا جامعه آماری به عنوان یک کل واحد در نظر گرفته شد. سپس فراوانی کاربرد گونه محاوره‌ای ارزیابی شد. نتایج آماری حاکی از آن بود که میزان به کارگیری گونه محاوره‌ای در گفتار دختران $36/67\%$ بیش از به کارگیری گونه خنثی است. دختران آزمودنی، واژگان محاوره‌ای مردانه را $68/33\%$ و واژگان خنثی را $31/66\%$ به کار برده بودند؛ به عبارتی کل آزمودنی‌ها صرفنظر از طبقه اجتماعی و گروه سنی که به آن تعلق داشتند از گونه زبانی محاوره‌ای مرسوم بین مردان و پسران بیشتر از گونه خنثی استفاده کرده بودند. برای بررسی تاثیر طبقه اجتماعی، جمعیت نمونه به دو گروه سنی ۳۰ نفره که به دو طبقه اجتماعی بالا و پایین تعلق داشتند تقسیم شدند. پس از بررسی درصد کاربرد مشخص شد دختران طبقه اجتماعی بالا $53/87\%$ در گفتار از واژگان محاوره‌ای مردانه استفاده کرده‌اند درحالی‌که این بسامد در دختران طبقه پایین به $46/12\%$ می‌رسد؛ به عبارتی اگر چه این قبیل واژگان در بین دختران طبقه بالا از اقبال افزونتری برخوردار است اما تفاوت $7/75\%$ به لحاظ آماری، قابل توجه نمی‌باشد.

عامل سن به عنوان متغیر فرعی و به منظور بررسی اثر احتمالی آن بر روی متغیر زبانی مورد بررسی قرار گرفت. دختران نوجوان به تفکیک سن در طبقه بالا درصد بیشتری از کاربر گونه محاوره‌ای مردانه را به خود اختصاص دادند.

سن		طبقه اجتماعی		
		بالا	پایین	سن
۱۷	۱۶	۱۵		
%۱۸/۵	%۱۷/۸	%۱۸/۳		
%۱۵/۳	%۱۵	%۱۵/۱		

جدول (۱): درصد کاربرد گونه محاوره‌ای مردانه به تفکیک سن در طبقات اجتماعی

لازم به ذکر است که در بررسی فوق، گونه محاوره‌ای مردانه در مفهوم عام آن یعنی صورت جدید و قدیم هر دو لحاظ شدند. برای ارزیابی بسامد کاربرد صورت جدید در مقایسه با صورت قدیم بار دیگر جمعیت نمونه به ۶ گروه ده نفره از حیث طبقه و به تفکیک سن تقسیم شدند. نتایج حاصل از این بررسی در جدول ۲ آمده است.

۱۷			۱۶			۱۵			سن
صورت زبانی	جدید	قدیم	صورت زبانی	جدید	قدیم	صورت زبانی	جدید	قدیم	طبقه اجتماعی
بالا	%۲۲	%۷/۱	%۳/۸	%۲۰/۷	%۹	بالا	%۲۲	%۷/۱	%۳/۸
پایین	%۱۵/۳	%۹/۲	%۸/۵	%۱۳/۶	%۸/۵	پایین	%۱۵/۳	%۹/۲	%۸/۵

جدول (۲): درصد کاربرد صورت‌های زبانی به تفکیک سن در طبقه بالا و پایین

با یک نگاه اجمالی به جدول ۲ می‌توان دریافت دختران طبقه بالا در هر سه مقطع سنی درصد بیشتری از کاربرد صورت‌های جدید را به خود اختصاص داده‌اند. نکته دیگر آنکه در طبقه بالا، کاربرد صورت‌های قدیم بیشتر از خنثی است در حالیکه در طبقه پایین، کاربرد صورت‌های خنثی تفاوت چندانی با صورت‌های قدیم ندارد و حتی در ۱۶ ساله‌ها بالاتر است؛ به عبارتی می‌توان عنوان داشت اگر چه دختران نوجوان در هر دو طبقه از

گونه محاوره‌ای مردانه استفاده می‌کنند و تفاوت کاربرد این گونه در گفتار دو گروه معنی‌دار نیست اما اگر صورت‌های زبانی به تفکیک، بررسی شود به تفاوت آماری معنی‌داری در کاربرد می‌رسیم. طبق یافته‌های تحقیق، طبقه اجتماعی بر کاربرد گونه محاوره‌ای مردانه در مفهوم عام آن تاثیر معنی‌دار ندارد اما همین عامل اجتماعی بر انتخاب صورت جدید از گونه محاوره‌ای مردانه بسیار متفاوت عمل می‌کند چنانکه میانگین کاربرد صورت جدید در طبقه بالا بیش از ۵/۳۰ بود ($\bar{X} > ۵/۳۰$) اما در طبقه پایین به ۱/۴۰ ($\bar{X} = ۱/۴۰$) می‌رسید.

تحقیقات زبانی، گونه محاوره‌ای مردانه را زیر مجموعه‌ای از گونه عامیانه زبان می‌شمارند و از این رو غالب این تحقیقات بیانگر این نکته‌اند که مردان و پسران بیش از جنس مخالف خود از این گونه زبانی به سبب اعتبار پنهانی که در گروه دارد استفاده می‌کنند. از سوی دیگر، برخی از تحقیقات دلالت بر این دارند که هرگاه در جامعه‌ای تعاملات اجتماعی با جنس مخالف افزایش یابد باید شاهد تغییر و تعدیل در برخی هنجارهای گروهی باشیم. به نظر می‌آید جامعه مورد بررسی با نگرش دوم همسویی بیشتری دارد. مشاهدات پژوهشگر، این امر را نه تنها در بسامد بالاتر صورت‌های جدید بلکه حتی در کاربرد بیشتر صورت‌های قدیم گونه زبانی محاوره‌ای مردانه در این گروه توجیه می‌کند.

از سوی دیگر، برخی صورت‌های زبانی در دو طبقه، تفاوت‌های متمایزتری نشان دادند مثلاً دختران طبقه بالا صورت‌های واژگانی تهدیدی مثل «ریز می‌بینمت» را با بسامد ۵۳٪ به کار برده بودند؛ به عبارتی به نظر می‌آید دختران طبقه بالا به کاربرد این صورت‌ها تمایل پیدا کرده‌اند. این تمایل در جملاتی که در گزینه باز پرسشنامه گنجانده شده بود نمود بیشتری داشت مثل :

سه سوت گوله می‌شی

خرخرت را می‌جوم

نمونه دیگر اصطلاح تهرانی «دودره کردن» بود که از سوی دختران طبقه بالا با فراوانی ۷۷٪ استفاده شده بود و مشتقات دیگر آن چون «دودره» و «دودره باز» نیز رواج زیادی داشت. می‌توان تمایل غالب طبقه بالا را در استفاده از جدیدترین صورت‌های محاوره‌ای مردانه را در انطباق اعتبار پنهان نهفته در این صورت‌ها بر اعتبار آشکار صورت‌های واژگانی معیار دانست و در پی این تغییر، باز دختران طبقه بالا هستند که به سمت کاربرد افراطی این قبیل واژگان گرایش پیدا کرده‌اند.

برخی صورت‌ها نیز مثل «خالی بستن»، «عمرأ»، «گیر دادن» و «قاط زدن» در دو طبقه تقریباً بسامد کاربرد یکسانی نشان دادند. به نظر می‌آید این مشابهت به علت فراگیری شدن واژگان و اصطلاحات فوق از طریق رسانه‌های همگانی چون تلویزیون و دسترسی آسان آزمودنی‌های دو طبقه به آنها باشد؛ به عبارتی می‌توان گفت واژگان جدیدی که از طریق دیگری غیر از رسانه‌های جمعی باب شده‌اند کمتر در دایره واژگان محاوره‌ای دختران طبقه پایین مشاهده می‌شود.

۱۰- نتیجه‌گیری

پس از بررسی داده‌ها از دو بعد کمی و کیفی می‌توان نتیجه گرفت که دختران نوجوان آزمودنی در مقطع متوسطه در کل از واژگان محاوره‌ای مردانه بیشتر از معادل خنثی این قبیل واژگان استفاده کرده‌اند. تفاوتی که از حیث آماری، معنی‌دار است. طبقه اجتماعی بر کاربرد و بسامد این قبیل واژگان در جمعیت نمونه تأثیرگذار نبوده است اما دختران طبقه بالا با تفاوت آماری معنی‌داری از صورت‌های جدید گونه محاوره‌ای مردانه در تقابل با صورت‌های قدیم و در مقایسه با دختران طبقه پایین استفاده کرده‌اند. در میان عوامل مورد بررسی، طبقه اجتماعی بیش از متغیرهای سن و تحصیلات در به کارگیری صورت‌های

محواره‌ای مردانه از سوی گروه دختران در هر دو طبقه اجتماعی با توجه به بالاتر بودن درصد کاربرد آن در طبقه بالا بیانگر شبیه‌سازی است که بنابر نظریه تجفل، گروه اقلیت برای استفاده از امتیازات برابر گروه اکثریت بدان متوسل می‌شوند و با اتخاذ چنین استراتژی زبانی سعی در ادغام در گروه اکثریت را دارند. بیشتر آزمودنی‌ها نیز ایجاد امنیت روانی و کسب موقعیت‌های برابر با پسران را از عوامل مهم کاربرد واژگان محاوره‌ای مردانه عنوان کرده بودند. یافته‌های این پژوهش نظریه شبیه‌سازی تجفل را تایید می‌کند و بر رد انتساب ویژگی‌های ثابت به گروه یا طبقه‌ای خاص پای می‌فشارد.^۱

کتابنامه

- ۱- پور جهان، پریسا . ۱۳۷۸-۱۳۷۹. «گونه عامیانه زبان فارسی و تفاوت‌های کلامی زنان و مردان». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز .
- ۲- جان‌نژاد، محسن . ۱۳۸۰. «زبان و جنسیت: تفاوت‌های زبانی میان گویشوران مرد و زن ایرانی در تعامل مکالمه‌ای». رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- ۳- فارسیان. محمدرضا. ۱۳۷۸. «جنسیت و واژگان». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران .

4. Benor, S & M. Rose & D. Sharma. 2001. *Gendered Practices in language*. Chicago: university of chicago
5. Chaika, E. 1982. *Language, The Social Mirror*. Rowley: New bury house .
6. Coates, J. 1986. *Women, Men and language*. London and New york: longman
7. _____ & D. Cameron. 1989. (ed.) *Women in Their Speech Communities*. London: Longman
8. Eckert, P. 1990. "Cooperative Competition in Adolescent Girl Talk", *Discourse Processes*. (13) PP.91-122.
9. Eisikovits, E. 1987. "Sex Differences in Inter- Group & Intra-Group Interaction among Adolescents". PP. 67-84 in Grimshaw Allen (ed) *Conflict Talk*. Cambridge university press
10. Fishman, P. 1983. "Conversational Insecurity". In D. Cameron (ed.) 1986. pp. 253-258
- 11- Goodwin, M.H. 1980. "Directive Response Sequences in Girls' & Boys' Task Activities". In MC connell- Ginet et al (ed.)
12. Graddol, D & J. Swann. 1989. *Gender voices*. London: Black well publishers
13. Romaine, S. 1984. *The language of children and Adolescents*.

14. Tajfel, H. 1978. (ed.) "Differentiation Between Social Groups: studies in the social psychology of inter Group Relations".
London : Academic press
15. _____ . 1984. "Inter Group Relations, Social Myths and Justice".
Cambridge : cambridge university press
16. Thomas, L & sh. Wareing. 2001. *Language, society and Power : an Introduction*. London & New york : Routledge
17. Ward haugh, R. 1992. *An Introduction to socio linguistics*.
Oxford : Black well publishers.